بسمه تعالی

مراسم تدفین آسمانی علی(ع)

نادر حسن زاده



عکس ۸۵ سال پیش نجف اشرف و بارگاه ملکوتی امام علی(ع) توسط مستشرق شناس امریکایی اریک ماتسون

تاریخ انتشار ۱۳۹۸/۳/۶. تاریخ نسخه بازبینی پنجم ۱۴۰۲/۵/۴

hasanzadehr@yahoo.com

چه کسی پس از نبی (ص) شایسته آیات زیبنده خاص حضرت ابراهیم (ع) است؟ چه صفاتی را خداوند عالم در این آیات زیر برای او بر شمرده است که در پیامبر گرامی (ص) و علی (ع) جمع نیست؟ نسبا و سببا محمد (ص) و علی (ع) تنها وارثان این صفات از جد خود اسماعیل فرزند ابراهیم (ع) هستند. و چون چنین است علی تنها جانشین به حق رسول الله (ص) است. وقتی حضرت ابراهیم (ع) اولاد خود را دعا می کرد (رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ- پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریّه‌ام نیز. پروردگارا! دعای مرا بپذیر. ابراهیم/۴۰) قطعا و یقینا حواسش به این دو نسل شاخه آخری نبوت خود هم هست.

نوبت قرآن خوان هاست که بروند آیات دیگر را بیآورند. ترازو داران است بروند با توزین عدالت افراد مقرب خدا را بسنجند. بر عهده ریشه شناسان است که بروند ریشه این شجره طیبه را پیدا کنند. و اینقدر بر این شخصیت ها و ادیان الهی بدل ناچیز نسازند.

إِنَّ إِبْرَاهِیمَ کَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِیفًا وَلَمْ یَکُ مِنَ الْمُشْرِکِینَ* شَاکِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ* وَآتَیْنَاهُ فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ* ثُمَّ أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِیمَ حَنِیفًا وَمَا کَانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ- به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع خدا و حق‌گرای بود و از مشرکان نبود* شکرگزار نعمت های او بود، خدا او را برگزید و به راهی راست راهنمایی اش کرد* و به او در دنیا زندگی نیکویی دادیم و بی تردید در آخرت از شایستگان است*آن گاه به تو (محمد) وحی کردیم که از آیین یکتاپرستیِ ابراهیم حق گرا پیروی کن که از مشرکان نبود (نحل/۱۲۳-۱۱۹).

یکماه پس از بازگشت از سفر روحانی خود به عتبات عالیات (۱۳۹۷/۲/۱۶) به یکباره به ذهنم خطور کرد که چگونه علی (ع) که خلیفه مسلمین جهان اسلام بود و همه بزرگان از ضربت خوردن آن حضرت اطلاع داشتند و سه روز آخر عمر مبارک ایشان مرتب به عیادت او می رفتند (۱۹ رمضان تا ۲۱ رمضان ۴۰ ه.ق) و کل شهر بخاطر این ترور کور در محاصره نیروهای امنیتی بود،

شبانه دور از چشم اغیار بیرون کوفه بردند و در نجف دفن کردند! درحالیکه فاصله این دو شهر ۱۰ کیلومتر است (بین تهران و شهر ری) و امروز با پای پیاده از میدان امام حسین تا حرم حضرت عبدالعظیم ۵ ساعت راه است. تازه خود امام حسن و امام حسین بخاطر ماه رمضان روزه بودند. امام حسن پس از نقاهت پدر پیشنماز مسجد کوفه بودند. قطعا غیبت چند ساعته آن حضرت برای مردم کوفه سئوال برانگیز می شد. حتی هیچ کاری هم نمی کردند ۵ ساعت زمان می برد خودشان را به نجف برسانند و ۵ ساعت دیگر هم برای مسیر بازگشت. مگر بگوئیم از راه میانبر رفتند و یا مردم تا دروازه های شهر جنازه را مشایعت کردند و پس از آن افراد نزدیک به آن حضرت در خاکسپاری در نجف شرکت کردند.

در آن صورت طبق سایت اسلام کوئست نت (۱۳۹۵/۸/۲۶) جنازه پیش از طلوع فجر در غَرِیّین دفن شده بود و افراد در حال بازگشت به کوفه بودند و بسیاری موارد دیگر که در این متن به تعدادی از آنها اشاره می شود.

هرچه بود این یک تشییع جنازه ساده نبود. یک معجزه بود. برای مقام علی این کمترین معجزه است. برای مولود کعبه این ساده ترین معجزه است. سرّش هم معجزه است. علنی هم بشود معجزه است. او که بارها دست اسلام را گرفت. دست ده ها نفر آدم مانده در سبیل و در روزمرگی را گرفت، مستحق این معجزه بود. اینها هم نبود نهج البلاغه او و نسل مشترک او و فاطمه (س) یک معجزه الی الابد است.

اول صبح روز ۲۱ رمضان، امام مسلمین تنها امیرالمومنین دنیا پس از نبی اکرم (ص) دیگر در بین مردم نبودند. اولین روز شهادت مولا علی بود. مقامات ارشد حکومتی هر چقدر هم دیر متوجه خبر شهادت آن حضرت می شدند و در صف نماز جماعت صبح از آن مطلع نمی شدند حتما پس از طلوع آفتاب خود را به خانه علی (ع) می رساندند و حتما و حتما اهالی کوفه به عیادت آن امام همام می رفتند و گفتن اینکه او را شبانه دفن کردیم برای امامین حسنین که در بین مردم بودند بسیار سخت بود.

مگر اینکه جو جامعه طوری بوده باشد که همگان منتظر چنین رخدادی بودند که در آن صورت باید بر غربت علی خون گریست.

یا اینکه گفته شود:

خواص انتظار تدفین مخفیانه علی (ع) چون حضرت فاطمه زهرا (س) ام ابیها را داشتند.

اما مردم عادی چی؟ آیا ایشان حق نداشتند از خود و از همسایه بغلی خود بپرسند چه ساعتی از شب حضرتش درگذشتند؟ کجا دفن شدند؟ چرا مخفیانه؟ و وقتی می شنیدند نیمه شب و پشت دیوارهای کوفه، ده ها پرسش دیگر مطرح می شد؟ چگونه؟ و به چه دلیل؟ پرسش بی پاسخ: برای جلوگیری از فتنه و احیانا ممانعت از تعدی و هتک حرمت به قبر آن امام همام.

این پرسش و پاسخ های تاریخی تقریبا و نه تماما امروز برای من قانع کننده نیستند. لذا بر آن شدم کل اینترنت را جستجو کنم و کل وجودم را وقف این مهم بکنم و از خود آن حضرت استعانت بجویم تا به یک پاسخ دقیق تر نزدیکتری برسم. **با این علم که این راز به این آسانی گشودنی نیست**.

زیرا روایات وارده متعدد است. تناقضات در آنها زیاد است. یک روایت می گوید او را مردم کوفه تا دروازه های شهر کوفه تشییع کردند درحالیکه همه عزادار و به سر و سینه خود می زدند، گریه می کردند و نوحه می خواندند (دانشنامه رشد–شبکه ملی مدارس ۱۳۹۸/۳/۷) و تعدادی هم می گویند پس از این مراسم همه به سر خانه های خود برگشتند و اجازه دادند تشییع جنازه تا نجف به صورت مخفیانه باشد.

خوب این دیگر مخفیانه نیست. نیمه مخفیانه هم نیست. مخفیانه یعنی قبر نامعلوم حضرت فاطمه زهرا (س). کل مدینه از آن بی خبر ماند. **حسرت خواندن نماز میت بر دل خلیفه اول ماند**. روایت فوق به این معناست که همه شهر تسلیم اوامر شدند! یک نفر از ایشان کنجکاو بقیه مراسم نبود! هیچیک از خوارج و ایادی ایشان در سطح شهر پراکنده نبودند! هیچکس هم تلاش نداشت ابن ملجم ملعون را از مخمصه

مرگ نجات بدهد! کافی بود یک نفر از ایشان جنازه را تعقیب بکند و تمام برنامه ها نقش بر آب بشود. حتی این روایت از آن حضرت که پس از دفن، چهار قبر در چهار مکان حفر کند، مسجد کوفه، رحبه، نجف و در خانه جَعده بن هُبَیره تا محل قبر برای مدت معلوم نامعلوم بماند.

بنابراین بقول مولانا هرچه گوئی ای دم هستی برآن/پرده دیگر بر او بستی بدان.

چاره ائی نبود جز اینکه مقداری مطالعه کرد. مقداری تدبیر کرد. مقداری هم به امدادهای غیبی امیدوار بود.

برای شروع از مطالب سایت های اینترنتی استفاده کردم. مبدا را هم روز اول ماه رمضان (دوشنبه ۱۳۹۸/۲/۱۶) قرار دادم. روز بازبینی چهارم را شب ۲۱ ام ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰قرار دادم.

سایت ویکی پدیا (۱۶ فوریه ۲۰۱۹):

پیکر مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) را شبانه خارج کرده و امام حسن و امام حسین (ع) و محمد حنیفه و عبدالله بن جعفر و عده‌ای از خاندان وی همراه جسد بودند و آن را پشت کوفه دفن نمودند. موقعی که سؤال شد: چرا قبر را مخفی کردید؟ در پاسخ فرمودند: جهت ترس از خوارج، چون قبر او را نبش می‌نمودند. ..... پس از سقوط دولت بنی‌امیه و متفرق گشتن خوارج در قرن دوم هجری (۱۵۰ سال بعد)، در عصر هارون‌الرشید، محل قبر حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علنی شد.

سایت اسلام کوئیست (۱۶ اردیبهشت۱۳۹۸).

برخی منابع مثل این مورد به روز است. نشان می دهد این پرسش یک پرسش دیرین است و برای ذهن من تازگی دارد.

در این سایت ضمن شرح ماوقع در انتهای مقاله آورده بود از آنجا که عده ای از مخالفان جوی روانی علیه شیعه به راه انداختند و با شبهاتی در صدد انکار دفن حضرت علی (ع) در مکان فعلی هستند، دانشمندان شیعه با تألیف کتاب هایی در این زمینه به این شبهات پاسخ گفته اند.

سایت جام جم (۲۸ تیر۱۳۹۳):

پس از شهادت حضرت علی (ع) بر اساس وصیتش فرزندان ارجمندش شبانه آن نازنین بدن را غسل دادند و کفن کردند و به خاک سپردند. پس از انجام غسل و کفن به دستور امام حسن (ع) جز فرزندان امیرالمؤمنین و شماری از یاران خاص آن حضرت، همه برگشتند

و **آن تابوت بر دوش جبرئیل و میکائیل و حسن و حسین (ع) از کوفه دور شد و بر سوی نجف (منطقه غری) رهسپار شد.** ذیل این گزارش مستندات زیر ارائه شده بود:

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم در ادامه به شرح این رویداد می‌پردازد:

در نقطه‌ای از آن سرزمین، جلوی تابوت به زمین آمد و فرزندان آن حضرت نیز عقب آن را بر زمین نهادند و امام حسن (ع) همان گونه که پدر سفارش فرموده بود بر آن پیکر پاک نماز خواند پس از نماز، تابوت را کنار زدند و با جا به جا کردن خاک، آرامگاهی ساخته و پرداخته یافتند که سنگ نوشته‌ای نشان می‌داد که آن قبر را حضرت نوح (ع) برای بنده برگزیده و شایسته خدا، علی (ع) آماده ساخته است.

هنگامی که بر آن شدند تا آن پیکر مقدس را به درون قبر برند ندای منادی را از آسمان شنیدند که می گفت: "انزلوه الی التربة الظاهر، فقد اشتاق الحبیب الی الحبیب- آن بدن پاک را بر زمین پاک نهید که دوست مشتاق دیدار دوست است".

شیخ مفید در کتاب "الارشاد" این گونه آورده است: **قبر آن حضرت (ع) بنا به وصیتی که کرده بود، مخفی ماند تا زوال دولت بنی امیه** که دشمنی و کینه ورزی شدیدی نسبت به آن حضرت (ع) داشتند و چون قدرت به دست بنی‌عباس افتاد، در زمان امامت امام صادق (ع) توسط آن حضرت قبر مطهر جد بزرگوارش آشکار شد و امام صادق (ع) چون به پیش ابوجعفر منصور دوانقی (متوفی ۱۵۸ هجری) دومین خلیفه عباسی می‌رفت، قبر جد بزرگوارش را زیارت کرد و آشکار نمود. از آن به بعد شیعیان چون متوجه این امر شدند و به زیارت قبر مطهر حضرت علی (ع) شتافتند.

و به این جریان شیخ ابوعلی طبرسی در کتاب "اعلام الوری بأعلام الهدی" اشاره کرده است. در اینجا دو روایت که در رابطه با محل دفن است، اشاره می‌شود:

۱. ابی عمید به سند خود می‌گوید: شخصی از امام حسین (ع) پرسید: جنازه امیرالمؤمنین (ع) را در کجا به خاک سپردید؟ فرمود: شبانه جنازه را برداشتیم و از جانب مسجد اشعث (مسجد اشعث بین دو مسجد کوفه و سهله واقع شده و امروزه فقط قسمتی از دیوار و گلدسته اش باقی مانده است) آن را بردیم تا به پشت کوفه کنار غریین برده و در آنجا به خاک سپردیم،

۲. جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم جنازه امیرالمؤمنین (ع) در کجا دفن شد؟ فرمود: پیش از طلوع خورشید در جانب غریین به خاک سپرده شد و حسن (ع) و حسین (ع) و محمد حنیفه فرزندان علی (ع) و عبدالله بن جعفر (برادر زاده علی (ع) وارد قبر شدند و جنازه را در میان قبر گذاردند.

سایت بیتوته (۱۳۹۸/۲/۱۳) به نقل از نشریه کوثر شماره ۱۰ صفحه ۵۲ . imamalinet.net:

به دستور حضرت علی (ع)، فرزندانش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، بدن مطهر او را در زمین مرتفعی که عرب به آن "نجف" می گوید، مدفون ساختند. بدون اینکه مردم بدانند محل دفن حضرت علی (ع) کجاست.

سایت شفقنا افغانستان (۲۸ سرطان ۱۳۹۳ به نقل از مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

در این که بدن مطهر آنحضرت در کجا دفن شده بین اهل سنت اختلاف شدید است. اما در میان شیعه هیچگونه اختلافی نیست. در راستای اثبات هر دو دیدگاه، نظر عده از بزرگان فریقین را یاد آور می شود.

پایگاه شیعه سِی (shiasay.com/live. سایت پاسخگویی به سوالات و شبهات دینی. ۷ تیر ۱۳۹۷):

جریان نحوهٔ دفن و محل دفن حضرت علی (علیه السلام) در منابع تاریخی اینگونه آمده است که پس از شهادت حضرت علی (علیه السلام) بر اساس وصیتش، فرزندان ارجمندش به پا خاستند تا شبانه آن نازنین بدن را غسل دهند و کفن کنند و به خاک سپارند. پس از انجام غسل و کفن به دستور امام حسن (ع) جز فرزندان امیرالمؤمنین و شماری از یاران خاص آن حضرت، همه برگشتند و آن تابوت بر دوش جبرئیل و میکائیل و حسن و حسین (علیهما السلام) از کوفه دور شد و به سوی نجف (منطقه غری) رهسپار گردید.

در نقطه ای از آن سرزمین، جلوی تابوت به زمین آمد و فرزندان آن حضرت نیز عقب آن را بر زمین نهادند و امام حسن (ع) همان گونه که پدر سفارش فرموده بود، بر آن پیکر پاک نماز خواند.

پس از نماز، تابوت را کنار زدند و با جا به جا کردن خاک، آرامگاهی ساخته و پرداخته یافتند، که سنگ نوشته ای نشان می داد که آن قبر را حضرت نوح (علیه السلام) برای بنده برگزیده و شایسته خدا، علی (ع) آماده ساخته است. هنگامی که بر آن شدند تا آن پیکر مقدس را به درون قبر برند ندای منادی را از آسمان شنیدند که می گفت: آن بدن پاک را بر زمین پاک نهید، که دوست، مشتاق دیدار دوست است.

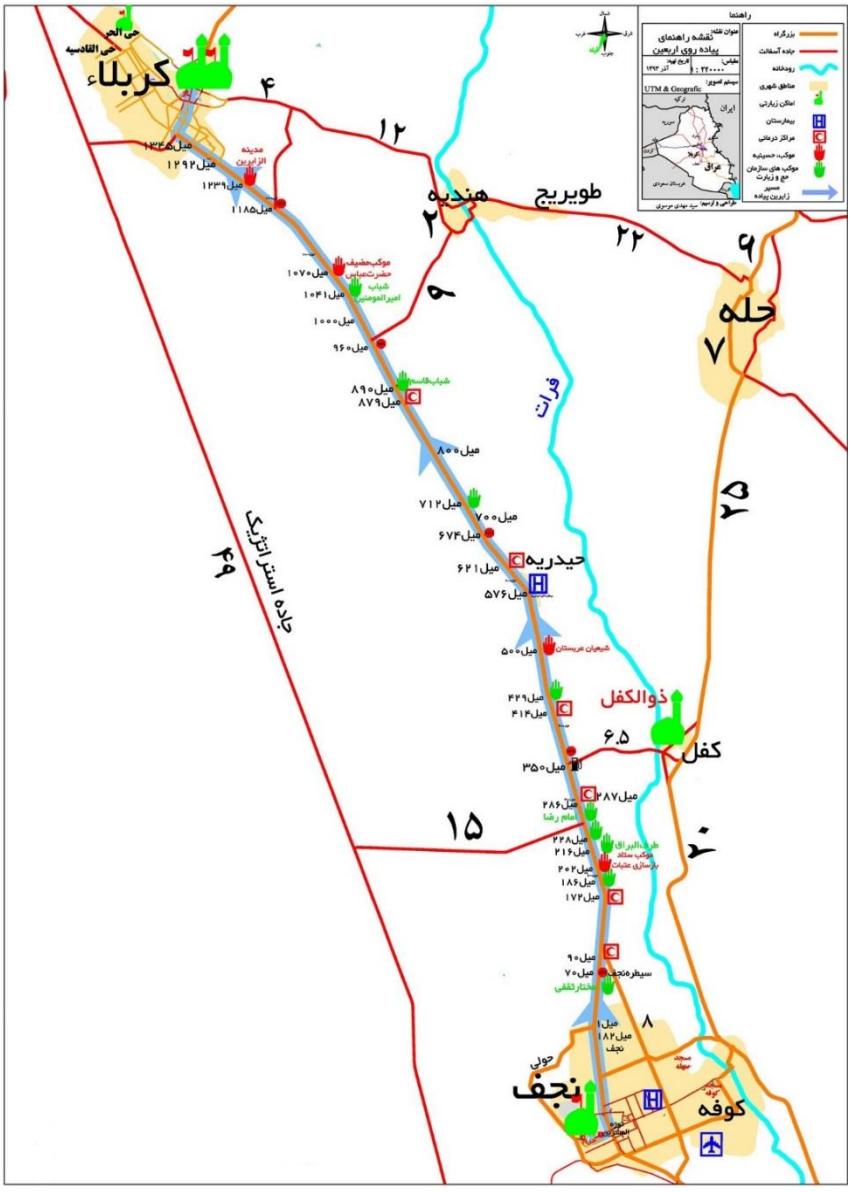
در ویکی پدیا بود که نجف واژه‌ای عربی و به معنای منجوف است. منجوف مکانی است مستطیل شکل و مرتفع که آب در اطراف آن جمع می‌گردد ولی بر سطح آن جاری نمی‌شود. طبق متون تاریخی وضعیت جغرافیایی شهر نجف که مستطیل شکل بوده و از زمین‌های پیرامون بلندتر است موجب شده این نام بر آن نهاده شود.

باز از منبع فوق برای شناخت بهتر جغرافیای آن روز نجف:

کوفه (در سمت غربی کوفه نجف قرار دارد) هنگام تأسیس در فاصله نیم فرسنگی (هر فرسنگ ۶/۲۴ کیلومتر است) کناره غربی نهر فرات بنا شد، بنابراین از طرف شرق، محدود به این رودخانه بود و از طرف غرب به بیابانی که به سمت شام و عمان امتداد داشت، محدود می‌شد که شهر نجف کنونی جزئی از این بیابان بود و در ناحیه غربی کوفه قرار داشت.

در جنوب غربی کوفه و در فاصله یک فرسنگی آن، شهر حیره که در آن زمان، شهری بسیار آباد و مرکز حکومت آل‌مَنْذَر (مَناذِرَة) بود، قرار داشت. در طرف شمال آن، شهر یا منطقه آباد وسیعی وجود نداشت. در این سمت می‌توان از نخیله در فاصله دو فرسنگی شمال کوفه و از کربلا در هشت فرسنگی شمال غربی آن نام برد.

سمت غربی کوفه (سمت نجف) است پوشیده از شن و ماسه قرمز رنگ می‌باشد و استعداد کمتری برای کشاورزی دارد و ارتفاع آن از سطح فرات تا ۳۶ متر می‌رسد. اما قسمت شرقی این شهر که نزدیک فرات است، رسوبی و جلگه‌ای بوده و برای کشاورزی بسیار مناسب می‌باشد و بیشتر کشتزارها و باغ‌های این شهر را در خود جای داده‌است و ارتفاع آن بین ۶–۵ متر از سطح رودخانه است.



طبق نقشه فوق رودخانه فرات کنار شهر کوفه واقع است و نه شهر نجف. هم چنین طبق این نقشه فرودگاه نجف در نزدیکی شهر کوفه قرار دارد (منبع نقشه جهان نیوز. ۱۵ آبان ۱۳۹۶).

سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه. در مقاله جغرافیای تاریخی کوفه. ۱۳۸۸/۹/۱:

در دوره خلافت خلیفه دوم، مسلمانان که هدف فتح ایران را در سر داشتند، به دنبال محلی بودند که علاوه بر نزدیکی به مرز ایران، از نظر آب و هوایی، مطلوب ساکنین جزیرهٔ العرب باشد. از این رو سعدبن ابی وقاص پس از مکاتبه با خلیفه دوم، به سلمان فارسی و حذیفهٔ بن الیمان ماموریت داد تا به دنبال محلی مناسب جهت اسکان خود و گله شترانشان باشند. در پی این ماموریت، منطقه ای در ساحل غربی رود فرات و نزدیکی شهر باستانی حیره انتخاب گردید، که بعدها کوفه نامیده شد، و این اولین شهری بود که پس از ظهور اسلام، به وسیله مسلمانان ساخته شد.

باز از پایگاه اطلاع رسانی حوزه. اسم گزارش: نجف اشرف را بشناسیم. فروردین ۱۳۹۰ شماره مجله ۹

شهر نجف از سمت شمال و شمال شرقی به کربلا، از جنوب و غرب به گودی های بحر نجف، و از شرق به شهر کوفه محدود می شود. رودخانهٔ فرات که از کوفه می گذشت، اگرچه حدود ۱۰ کیلومتر از شهر نجف دور بود، اما نجفی ها با کمک قایق های بادبانی و بعدها موتوری، از آن برای جابه جا شدن و حمل بارهای خود سود می بردند.

اما دکتر کاظم جنابی (تخطیط مدینهٔ الکوفه، ص۳۲) نظر دیگری دارد:

هنگامی که کوفه پدید آمد، نجف شهر مهمی نبود و از توابع "حیره" به شمار می آمد و بعداً به جهت خشکی زمینش، مقبرهٔ مردم کوفه قرار گرفت

ابن طاووس گوید:

محمد بن علی بن رحیم شیبانی گفت: من و پدرم علی بن رحیم، و عمویم حسین بن رحیم با عده ای که قصد زیارت امیرمؤمنان علی (ع) را داشتند، وارد شهر نجف شدیم. سال دویست و شصت و اندی بود و من کودکی بیش نبودم. نزدیک قبر امام علی (ع) که رسیدیم، تنها سنگ نشانی آن جا بود و دیگر هیچ و مردمانی اندک در آن اطراف زندگی می کردند.

وقتی آب از کناره های "بحر نجف" عقب نشینی می کند، زمینی نرم و مناسب برای زراعت پیدا می شود که در آن انواع سبزی ها و میوه ها به عمل می آید؛ هرچند که کمبود آب معضلی همیشگی در این منطقه است.

باز ویکی پدیا:

در عهد ساسانی در اطراف نجف دریاچه‌ای وجود داشته که پس از ظهور اسلام خشک گردیده، بعدها دوباره دریاچه‌ای پدید آمده، که تا حدود یک قرن پیش نیز وجود داشته ولی دولت عثمانی آن را خشکانیده است.

جمع بندی:

۱. کوفه در کناره غربی نهر فرات واقع بوده تقریبا ۳ کیلومتری رودخانه فرات و نجف در بخش غربی کوفه جزئی از بیابان کوفه بوده است. نجف در بلندی قرار داشت. اطراف آن آب بود اما آب سطحی در آن جاری نبود. کوفه در زمان خلیفه دوم به حالت شهر در آمده است. و طبق متن ویکی پدیا، در عهد ساسانی در اطراف نجف دریاچه‌ای وجود داشته که پس از ظهور اسلام خشک گردیده بود. بعدها دوباره دریاچه‌ای پدید آمده، که تا حدود یک قرن پیش نیز وجود داشته ولی دولت عثمانی آن را خشکانیده است. پس این فرض که تابوت از طریق آب (رودخانه فرات) به نجف برده شده است منتفی است. ضمن اینکه تصریح شده است جلوی تابوت بر دوش دو ملک جبرئیل و میکائیل بوده است.

۲. و باز نمی توان فرض کرد که قبلا یکجا در نزدیکی کوفه دفن شده بود بعدا به نجف منتقل کرده اند. چون هیچ منبعی به آن اشاره نمی کند.

۳. خود من که نزدیک پنجره هواپیما نشسته بودم نزدیکی ها نجف دیدم یک طرف وادی السلام و یک رودخانه طویل قابل رویت بود. اما چقدر از شهر و حرم نجف فاصله داشت برای من نامشخص است.

۴. یا تا دروازه های شهر مردم کوفه جنازه را مشایعت کردند. پس از آن رضایت دادند به حرمت علی (ع) و جلوگیری از هرگونه تعرض به قبر ایشان بقیه مراسم به صورت مخفیانه انجام بگیرد. ریسک این کار آن روز که وسایل ارتباطات جمعی کم بود ۵۰:۵۰ و امروز ۱۰۰ درصد است.

۵. پس می ماند فرشتگان سبکبال این تابوت را با عزیزترین مسافر آن به مقصد رسانیده اند. اعلام حضور دو ملک بزرگوار در این مراسم و مشارکت ایشان در حمل تابوت و نشان دادن محل دفن جنازه حکایت از یک فیزیک و یک متافیزیک دارد. مومنین می پذیرند و غیر مومنین نق می زنند.

منتها از گروه دوم باید جدا پرسید این امام همام در کجاها از این موهبت الهی برخوردار نبوده است؟ کل وجود ایشان برای کل بشریت یک معجزه است. اساسا او از اول هدایت شده بود. برای صدر اسلام خلق شده بود. برای یاری پیامبر (ص) خلق شده بود. علی مساویست با پیروزی غزوات متعدد اسلام. علی و فرزندان ایشان مساوی هستند با جانثاری در راه احیای مجدد اسلام پس از ۲۵ سال خطای سیاست پیشگان صدر اسلام. اما در اثبات فرضیه فوق آنچه باید افزود این است که:

امامان حسن (ع) و حسین (ع) و دیگر فرزندان امیرالمؤمنین (ع) و شماری دیگر از یاران خاص آن حضرت، طی طریق تا نجف را حس نکرده اند. مراسم خاکسپاری را بطور کامل انجام داده اند. نماز صبح را در همان جا خوانده اند. و قبل از روشن شدن هوا

به کوفه بازگشته اند. احتمالات دیگر می تواند: همراهی یا عدم همراهی ملائک در مسیر بازگشت به کوفه، نداشتن دغدغه زیاد برای رسیدن به نماز جماعت صبح کوفه اگر امامت آن با نماینده امام حسن (ع) بوده باشد، قضا نشدن روزه بدلیل رسیدن به کوفه قبل از اذان ظهر.

۶. **واگر چنانچه همه موارد مورد اشاره در بند ۵ مورد وثوق نباشد. برعکس، همه دغدغه ایشان بویژه امام حسن (ع) رسیدن به موقع به نماز جماعت و....باشد. در آن صورت گزینه های متعددی روبروی ما هست.**

- **امام حسن (ع) به تنهائی و با هدایت دو ملکه زودتر از همه به کوفه بازگشته است**
- **همه از یک راه میانبر برگشتند و به موقع به کوفه رسیده اند و پس از اقامه نماز دلائل اقدام خود را به اطلاع عموم مردم رسانیدند. تعدادی قانع شدند، تعدادی مخالف، مزاحم و معاند و منافق!**

این دو قوی ترین استدلال ممکنه است که من روز اول ماه مبارک رمضان به افق دیگر کشورها و نه ایران به آن رسیدم. زیرا در منابع بالا آمده بود پس از انجام غسل و کفن به دستور امام حسن (ع) جز فرزندان امیرالمؤمنین و شماری از یاران خاص آن حضرت، همه برگشتند و آن تابوت بر دوش جبرئیل و میکائیل و حسن (ع)و حسین (ع) از کوفه دور شد و بر سوی نجف (منطقه غری) رهسپار شد.

خوب این مسیر طولانی و تابوت فقط بر دوش دو امام کاری غیرممکن بوده است. مگر بگوئیم کمک ملائک کارها را ساده و درعین حال پیچیده کرده است و نمی گذارد همه مسائل را دو دو تا بکنیم و تصویر دقیق و روشن از ماجرا بدهیم. این امدادها جز در شان امام علی (ع) نیست.

همچنانکه می گویند او مولود کعبه است. شیر خداست. پسر عمو و داماد پیامبر (ص) است. پسر عموی حمزه سیدالشهدا هست. پدر حسن و حسین و ابوالفضل العباس علیهما السلام و زینب (س) و.. است. فاتح خیبر است. همرزم حمزه سیدالشهدا در غزوات بدر و احد است. اولین پیرو پیامبر در سن ۱۲سالگی است. از دوران طفولیت خانه پیامبر بزرگ شده است (پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله با توجه به قحطی مکه و کمک به عمویش ابوطالب، امیر المؤمنین علیه السلام را در سنین خردسالی، به منزل خویش آورده و تحت سرپرستی و تربیت خود قرار داد). از کودکی دست پخت خدیجه کبری (س) چشیده است. زودتر از همه (بعد از حضرت خدیجه) از بعثت پیامبر مطلع شده است. صاحب شمشیر ذوالفقار دو دم است. صاحب نهج البلاغه است. بعد از حمزه لقب اسدالله از آن اوست. اولین شهید محراب است. در کفن و دفن پیامبر عظیم الشان ملائک را بعینه می دیده است. پیروزهای لشگر اسلام بدون بازوی او و شجاعت او میسر نبود. امنیت جانی پیامبر در غزوه ها و در خانه خود پیامبر با او بوده است. پس لیاقت این معجزه هم دارد. وگرنه پای استدلالیان چوبین بود. خوب چنین ابرمردی که صوت عدالت لقب گرفته است (الامام علی صوت العدالة الانسانیه نوشته جرج سمعان جرداق لبنانی، ۱۳۳۵) طی طریق را چه در حیات خود و چه در ممات خود به ثانیه بکند. وقتی نام فرشتگان بر زبان آید تا معراج هم فرد را می برند. لذا اگر فاصله

کوفه تا نجف به صورت راه میانبر ۳ کیلومتر باشد با پای فرشتگان و همراهی امامان حسن و حسین کمترین مسافت است. قطعا برای آن حضرت محل دفنی جز محل فعلی نیست زیرا مردم از آن بارگاه التماس دعای زیادی دارند و مزار بی حضور او بی معنی است. حتی اگر مشیت دفن او در خانه خود او و قرارگرفتن در مقام فعلی او در نجف باشد این کار برای خدا یک امر ساده است. یک گردش کوچک زمین در یک شعاع اندک است. او یکی از ناظران خدا در زمین است. ناظر قبر خود نیز بر عهده خود اوست. آقایان که تشکیک می کنند زیرا علی را با آدمهای معمولی و حداکثر با دیگر خلفا مقایسه می کنند. قیاس مع الفارق که همیشه وبال گردن شکاکین بی ایمان است.

مساجد مبارک و نامبارک در کوفه:

در مورد مساجد کوفه مطلبی دیدم که دردناک بود (پایگاه اطلاع رسانی حوزه. اسم گزارش: مساجد غیر معروف کوفه. فروردین ۱۳۹۰ شماره مجله۹). به نقل از امام محمدباقر (ع) آمده بود:

در کوفه مساجدی مبارک و مساجدی نامبارک وجود دارد. مساجد مبارک، مساجدی هستند که سرشار از یاد خدا هستند. به خدا قسم قبله چنین مسجدی در حقیقت، رو به سوی عدالت دارد؛ سرشت پاک و طاهری دارد و توسط مؤمنین واقعی بنا شده است. امیرمؤمنان علی (ع) از نماز خواندن در پنج مسجد کوفه نهی فرموده بود: مسجد اشعث بن قیس کندی (مسجد اشعث را بالا خواندیم که امام فرمود: شبانه جنازه را برداشتیم و از جانب مسجد اشعث (مسجد اشعث بین دو مسجد کوفه و سهله به نجف امروز بردیم. از جانب نه داخل آن بلکه از سمت آن)، مسجد حریر بن عبدالله بجلی، مسجد سماک بن مخرمه، مسجد شبث بن ربعی و مسجد تیم.....

هرگاه امیرمؤمنان علی (ع) به مسجد تیم می نگریست، می فرمود: این بقعۀ تیم است (نه مسجد) و مراد حضرت این بود که آنان در آن مکان نماز نمی خوانند، بلکه می نشینند و از روی دشمنی، علیه امیرمؤمنان علی (ع) صحبت می کنند. این یعنی کوفه ملتهب. کوفه مضطرب. کوفه با آدمهای بد. کوفه ائی که چهره خود را یکبار دیگر در قیام امام حسین (ع) نشان داد. البته شامل مردم عادی کوفه نمی شد. خواصی بودند که فتنه گری حرفه اصلی ایشان بود. مطمئنا روز خوشی را بعد از شهادت علی (ع) نداشتند.

اگرچه در گزارش بالا آمده بود امام باقر علیه السّلام فرمود: به شکرانۀ شهادت و قتل امام حسین علیه السّلام چهار مسجد در کوفه تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبث بن ربعی. چقدر این قوم بد بودند هم به علی ظلم کردند و همه به امام حسین و اینهم هرفتار آنها برای تجدید ساختمان مساجد بالا).

سوای این گزارش آنچه مشخص است قدر عافیت را کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. باید با معاویه بود تا قدر علی را دانست. باید دو کلاس سواد داشت تا از علی از آسمان ها پرسید و نه از تعداد موهای سر خود. باید امروز می بود و خطبه سَلونی قَبلَ اَن تَفقدونی – بپرسید از من قبل از آن که من از میان شما بروم را از زبان مبارک آن حضرت می شنیدیم.



برتری مومن بر کافر در قصه نهر لشگریان طالوت

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ- پس هنگامی که طالوت لشکر کشید، سپاه خود را گفت: خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بیآشامد از من و هم آیین من نیست، و هر که هیچ نیآشامد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آنها. و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند (و مواجه با دشمن شدند لشکر بیمناک گشته) گفتند: ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود. آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده، و خدا با صابران است (بقره/۲۴۹).

این خورندگان همانهائی بودند که از کوه احد پیش از موعد پائین آمدند. یا در جنگ صفین از فرمان علی (ع) تمرد کردند و بازی برده را باختند!

تعدادی از ایشان به خاطر خوردن آب تبدیل به یک انسان معمولی شدند. توان رزمی آنها در مقابل افراد دشمن دیگر به نسبت یک به دو (انفال/۶۵) و یا یک به ده (انفال/۶۶) نبود. دشمن آنها را دیگر یک مومن یا دو مومن نمی دید (آل عمران/۱۳). یک نفر مثل خودش، هم قد خودش، هم نفس خودش و هم ضعف خودش می دید. باید هم این لشگر آب خورده از لشگر مقابل خودش می ترسید زیرا دیگر جزو افراد ویژه گردان کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً نبودند. ملائک دیگر یار ایشان نبودند. سِجِّیل همراه نبودند.

امان از امتحانات کوچک و بزرگ خدائی. هر قطره آب مازاد از انسان انسانیت و وحدانیت و اسلامیت را می گیرد. انسان را از درون و بیرون خالی می کند. علت تمام پیروزهای لشگریان اسلام (از آدم تا خاتم) متابعت از این قانون بوده است.

یعنی ای بشر فقط تو نیستی. من هم هستم. من هم با کسی هستم که با من است.

در این جنگ های نابرابر که خدا دخالت مستقیم می کند ۲۰ نفر مومن را بر ۲۰۰ نفر و ۱۰۰ نفر مومن را به۱۰۰۰ نفر کافر غالب می کند اگرمومن باشند. آگاه (یَفْقَهُونَ) باشند و صبور (الصَّابِرِینَ). پیروزی در همه صحنه ها با مومن همیشه آگاه و صابر و نه دشمن ناآگاه و ناشکیباست.

یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ وَإِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ مِائَةٌ یَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَفْقَهُونَ ❋ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْکُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِیکُمْ ضَعْفًا فَإِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ وَإِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ أَلْفٌ یَغْلِبُوا أَلْفَیْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِینَ – ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردند چرا که آنان قومی اند که نمی فهمند❋ اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و خدا با شکیبایان است (انفال/۶۶-۶۵).

اگر این آیات را در قامت علی ببینیم این نسبت ها و جمع امتیازات او ویژه است. تنها شمشیر دو لبه ذوالفقار علی دارای دو امتیاز است.

طبق آیات فوق اگر نسبت مومن به کافر ۲ به ۱ است. امتیاز علی بعنوان امیرمومنان مافوق این امتیازات است. بطور سرانگشتی، مومن بودن دو امتیاز. امیرمومنان بودن خدا دو امتیاز. ذوالفقار داشتن دو امتیاز. پشتیبانی خدا و نبی خدا خدا امتیاز (با اعزام ۵-۳ هزار فرشته در جنگ بدر. آل عمران ۱۲۵-۱۲۴). معلوم است جنگ تن به تن با علی با این امتیازات ویژه برای طرف مقابل حتی اگر جنگجوئی چون عمرو بن عبدود باشد عملا غیر ممکن است. مطمئنا در صحنه نبرد دشمنان اسلام او را یک نفر نمی دیدند. هزار مرد و هزار دست و هزار شمشیر و هزار ایمان می دیدند. شجاع می دیدند. نیام نمی دیدند. قیام می دیدند. او نسبا و سببا اسدالله و یدالله است.

هر علی نام تو نیست. هر علی کار تو نیست. با علی نام تو نیست. با علی کار تو نیست. کلهم کار تو نیست. کلهم جای تو نیست. یک علی آل علی است. یکی علی شام علی است. یکی علی نام علی است. یکی علی نان علی است. علی یان بیشترند. بیشترین نام با کمترین کار علی. گونه گون نام علی است. گونه گون یاد علی است. گونه گون شاد علی است. معتبر نام علی راه علی جای علی جان علی است. علی فوق بشر. علی راه بشر. علی شاد بشر. همت نور بلند. محنت روز بلند. حجت روی زمین. عصمت کوی زمین. ناظر فوق زمین. ناصح روی زمین. ساکن کوی زمین. راهی نور زمین. صاحب محنت و راز. صاحب مکنت و باغ. کاشف و هاتف قاف. شاکر و شاعر پاک. پاک ترین بنده خاک. ریسمان توی پاک. حبل اول به تو داد. دوم به تو داد. به تو داد تا به تو داد. صد سواران به تو باد. سرو مستان به تو باد. هر سزاوار به تو داد. از سجایای دگر، آل علی است. آل نبی است. کوثر نام علی است.

یک علی فوق علی است. یک علی زهد علی است. یک علی خلق علی است. یک علی قول علی است. یک علی مهر علی است. یک علی شغل علی است. یک علی برد علی است. یک علی خوی علی است. یک علی مشق علی است.

یک علی منتظر است. یک علی مفتخر است. یک علی منبعث است. یک علی منتقم است. یک علی محتمل است. یک علی مقتدر است. یک علی منعطف است. یک علی چاه نشین. یکی علی ماه نشین. یک علی قاف نشین. یک علی راز نشین. سر سجاده نشین. نمره ها دارد علی. نمره ها داده علی.

نمره عدل علی. نمره صبر علی. نمره سعی علی. نمره شعف علی. نمره شرط علی. نمره شام علی. نمره گام علی. نمره گاه علی. نمره جنگ علی. نمره فرق علی.

خطبه ها خوانده علی. خطبه ها مانده علی.

در اشارات اول. در مقامات اول. در ملاقات اول. در اطاعات اول. در بیانات اول. در رزم اول. در نظم اول. در نثر اول. در فصل اول. در وصل اول. در فخر اول. در فقر اول. در مشق اول. در شهر اول. در شب اول. یک هزاران اول. صد هزاران اول.

در عدالت علی. در امانت اول. در ملامت اول. در وجاهت اول. در قضاوت اول. در وساطت اول. در مساوات اول. در قرائت اول. در قداست اول.

اول علی بعد نبی. شهر نبی. باب علی. باب علی شهر نبی. شهر نبی شرح نبی شرح علی.

نمره از بیست و یک است. یک به دو، یک به ده، یک به صد تا که صد تا دو صد تا هزاران به تو صد. تا الف شرح الف. خیر الف. شهر الف.

علی دانای علی. علی خواهان علی. علی یارای علی. علی قرمان علی. علی اصحاب علی. علی معنای علی. علی انصار علی. علی و حکم علی. علی و نوح علی. روح علی. علی و بدر علی. علی بی جنگ تبوک (تنها جنگی که علی ولی الله بدستور رسول الله در مدینه ماند تا از شهر در برابر حمله احتمالی سپاه روم که از طرف شام می آمدند محافظت بکند). علی و کوه احد. علی و کون و مکان. علی و نور علی.

بشمار حال علی. ابواب علی. افکار علی. اوقاف علی. اولاد علی. احسان علی. اسحاق علی. الصاق علی. اسباب علی.

ذوالفقار راز علی است. ذوالجناح کار علی است. خطبه ها نام علی است. نغمه ها کار علی است. شقشقیه غم ماست. غم انبان خداست. رنج ما رنج علی است. رنج دیدار علی است. رنج دیوان علی است. گنج علی رنج علی است. القیاس خوف علی است. الغیاث غوث علی است.

به توان دادم علی. به توان گفتم علی تا توان گفتن علی. تا توان بودن علی. گهی آداب علی. گاهی آلام علی. کوفه دیدست به علی. کوفه بودست به علی. کفر و کفرانه زیاد. گفتگوی ها زیاد. فتنه سر زد به کجا. از مدینه به سه جا: مکه و بصره و کوفه به تو جا. آدم از بی بصری راه ببندد به نبی. به علی. به تقی. به نقی. به امامان نبی. تا ببندد همه راه را به حسن به حسین. زینب آمد به تو گوید تو نبند. راه خدا را تو نبند. کربلا را تو نبند. افتخار را تو نبند. نباء است درب خدا را تو نبند. زنگ خدا را تو نزن. آسمان

را تو نزن. آسیاب را تو نزن. ناصر و نادر تو نزن. غصه دارد تو نزن. غصه نداری تو نزن. آدم آلوده به *خمر و قمار* و بت و قرعه (الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ) ندارد میثم. آدم خورشید نزن. آدم خوشتر تو نزن.

روز ضربت چو رسید. فزت و رب الکعبه رسید. نبی از شهر مدین فاطمه از شهر قرین. کلبه احزان تو از گوشه محراب رسید. غم کجا بود نبود؟ خانه مغموم رسید. زینب از دور رسید. حادثه از خون رسید. خود آن حضرت راضی. از شهادت راضی. از سعادت راضی. از دیانت راضی. از صیانت راضی. از امانت راضی. مادرش راضی. همسرش راضی. ام البنین راضی. خدیجه کبری راضی. ملائک ناراضی! زیرا از روز ازل با خلقت این انسان دوپا ناراضی! اما از علی جن و انس همیشه راضی. فوق راضی. به او عشق می ورزیدند. غم های او را می دیدند و اشک های او را پاک می کردند. باید به منزل ابدی می بردند. کجا؟ با کی؟ با چه تعداد آدم؟ سر تابوت را خود گرفتند و انتهای تابوت را به حسن و حسین سپردند. گفتند برویم تا هرجا که تابوت برود. تا جائی که نبی رضایت بدهد. گفتند پشت دیوارهای کوفه.

اما کوفه که نجف نیست. کوفه تا نجف ۱۰ کیلومتر است. میانبر ۵ کیلومتر. حرکت در این مسیر نورانی افراد نورانی می طلبد. حرکت نورانی می خواهد. شوخی نیست. ادامه راه سبز اسلام و گنبد سبز پیامبر است. بارگاه دوم نبی است علی است. خود راه بگوید کجا باید رفت. کجا باید ایستاد. کجا باید پا شد. کجا باید تا شد. کجا تاج شد. تا نجف اشرف شد. علی بنی آدم شد. علی پسر عم پیامبر داماد پیامبر شد.

زیارت مرقد آن حضرت و زبان دل هر روز من:

این سفر که نجف بودم. علی بارگاه پر ابهت داشت. مرا سخت این بارگاه گرفت. در مدینه آسمان مدینه مرا گرفت و در نجف مرقد علی بن ابیطالب. کاش آب می شدم زیر این خاک می رفتم. در کنار مرقد علی می آرمیدم. علی یدالله است. شیر خداست. اسدالله است. علی فاتح خیبر است. علی یعنی پیروزی. علی یعنی بهروزی. علی یعنی بهترین انتخاب. بین بد و بدتر نیست. برترین برترهاست. رسم دیرین است. رسم خدا و انبیای خداست. من کنت مولای نبی علی است. بین بد و بدتر کار ماست. بدترین کار ماست. اینهم از دوستی ما با مولا! از علی گفتن و بی علی بودن. علی به کمتر از مالک اشتر رضایت نداد. حسین به کمتر از قمر بنی هاشم رضایت نداد. نبی به کمتر از حمزه سیدالشهدا شهادت نداد. به خود برگردیم بهتر است. به دین برگردیم بهتر است. هرچه زودتر برگردیم بهتر است. راه نرفته زیاد نیست. شب قدر هر روز نیست. یکی از ده شب ماه مبارک رمضان است. شهرت دنیا زیاد– مدت عمر کوتاه. عمر با عزت تا ابد الدهر است. متاع دنیا نبرم. سلام خود را ببرم. صلواۀ خدا را ببرم. ثواب دنیا را ببرم. نام من نباشد نباشد. عکس من نباشد نباشد. کسی عکس نبی را ندیده است. عکس علی را ندیده است. اما اصل و وصل نبی و علی را دیده است. مریم را دیده است. موسی و عیسی را دیده است. ابراهیم خلیل الله را دیده است. لذت در ندیدن است. لذت بهشت نه در نبودن که در ندیدن است. عکس کمتر– اصالت بیشتر. دوربین ها امروز خادم تن اند تا خاطر من. کار معکوس با عکس است. عکس محبوب در ماه است. دیدن، هنر است. عکس دیدن صفت است. یک عکس از انسان بماند به خدا بیشتر

است: عکس یادگاری با نبی و علی. عکس دیدن دوست. عکس دیدن اوست. به بخارا بروم با اوست. تا ثریا بروم با اوست. طوس هم با اوست. طور هم با اوست. خوب هم با اوست. سه سلام بر تو سلام: آخرین نامه سلام. انبیا بر تو سلام. صالحین بر تو سلام. ناشناسان شناس بر تو سلام.